



نشریه

دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

علمی - پژوهشی

شماره ۳۷ و ۳۸

باییز و زمستان ۱۳۷۶ هجری شمسی (۱۴۱۸ ه. ق.)

نیگل واربرتن
ترجمه علی حقی

درآمدی به فلسفه علم*

چکیده

این مقاله ترجمه فارسی فصل پنجم کتابی تحت عنوان Philosophy : The Basics است. (مشخصات کامل کتاب‌شناسی این اثر در ذیل صفحه اول همین ترجمه آمده است). نویسنده در پیش درآمد کتاب می‌گوید: این کتاب برای کسانی نوشته شده است که می‌خواهند برای نخستین بار با فلسفه آشنایی پیدا کنند، مخصوصاً کسانی که فلسفه را در دبیرستان، کالج و دانشگاه می‌خوانند. رویکرد این کتاب موضوعی است و هر فصل از آن اختصاص به یکی از موضوعات فلسفی دارد. هر فصل حاوی رؤوس مطالبی است که در آن موضوع در فلسفه علم مطرح است، در پایان هر فصل، برای مطالعه بیشتر، کتابهای تازه در خصوص هر موضوع معرفی شده است.

همان‌طور که نویسنده خاطر نشان کرده است، این کتاب اگرچه برای نوآموزان فلسفه نوشته شده است ولی مطالبی درمطایب فصول این کتاب گنج‌انیده شده که در عین سادگی زبان، برای آشنایان با فلسفه نیز سودمند است.

* مأخذ ترجمه:

Nigel Warburton, Philosophy: the Basics (2 nd, Routledge, London, PP. 1996)109-123.

این مقاله سه بخش عمده دارد و در هر بخش آن به یکی از مکاتب عمده فلسفه علم در عصر حاضر پرداخته می‌شود. نویسنده در بخش اول دربارهٔ مکتب استقرارگرایی بحث می‌کند، سپس مختصری راجع به مکتب تأیید می‌گوید و به تفصیل بیشتر دربارهٔ مکتب ابطال‌گرایی توضیح می‌دهد. رویکرد نویسنده در هر مورد نقادانه است و نکاتی را دربارهٔ هر مکتب باز می‌گوید که عبرت‌آموز و چشم‌گشا است. نثر این مقاله بسیار روان و سلیس است و مترجم امیدوار است این روانی و سلاست در ترجمهٔ فارسی نیز بازتاب پیدا کرده باشد. برای مزید اطلاع، در یکی دومورد حواشی مختصری در ذیل صفحات نوشته‌ام.

علم به ما امکان داده است تا کسانی را به کرة ماه بفرستیم، بیماری سل را درمان کنیم، بمب اتمی، اتومبیل، هواپیما، تلویزیون، کامپیوتر و وسایل و ملزومات متعدّد دیگر - که چهرهٔ زندگی هر روزینهٔ ما را دگرگونه کرده‌اند - اختراع کنیم. عموماً روش علمی را مؤثرترین شیوه‌ای می‌دانند که در پیش گرفته‌ایم تا به رفتار عالم طبیعت پی ببریم و آن را پیش‌بینی کنیم. و لکن آدمیان را نه هر اختراع سودمند افتاده است. پر واضح است که دستاوردهای علمی، نه تنها در آباد کردن بل در تباہ ساختن زندگی آدمی نیز مؤثر بوده است. با این همه، انکار دخل و تصرفهای موقّعیّت‌آمیز که به مدد علم در عالم طبیعت ممکن شده است، دشوار است. در قیاس با دستاوردهای عظیم علم، چه ناچیز است دستاویزهایی که جادوگری، سحر، خرافات و سنت محض - به منظور تثبیت موقّعیّت خود - بدانها چنگک توانند زد!

روش علمی، نسبت به شیوه‌های پیشین اکتساب دانش، پیشرفتی است سترگ. از نظر تاریخی، علم جایگزین «احراز حقیقت به اتکای مرجعیّت»^(۱) شده است. مراد از احراز حقیقت به اتکای مرجعیّت، درست دانستن رأیها و نظریات «مراجع» معتمد - مشخصاً آثار به جای مانده از فیلسوف یونان باستان ارسطو (۲۲-۳۸۴ ق م) و تعالیم کلیساست - آن هم نه به دلیل چیستی مدّعا، بل به استناد کیستی مدّعی. برخلاف، در روش علمی بر لزوم اجرای آزمونها و بررسی دقیق نتایج و دستاوردها، پیش از آن که به هر گونه ادّعایی اعتماد ورزیم، تأکید می‌رود. افا، این روش علمی چیست؟ آیا روش علمی چندان معتبر و موثّق هست که عموماً